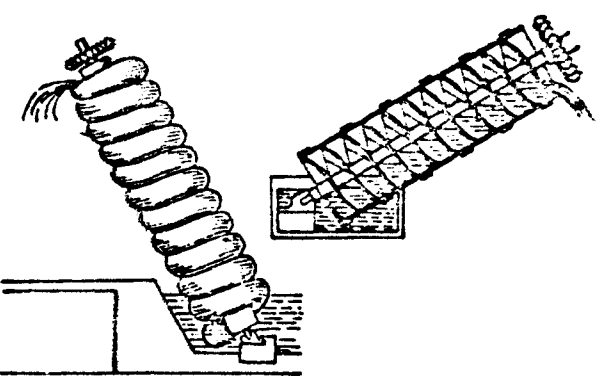




<p>Apron . پیشبند . صفحه یا پوششی که به جلوی رنده بر ماشین تراش پیچ می شود و آن جنبش رسان را که با پیچ مادر کار می کند می پوشاند (ن. ک. ش. ۱۰۲) .</p>	<p>پاد فاز . Antiphase . هنگامی است که زاویه اختلاف فاز برابر است با <math>\pi</math> .</p>
<p>Apron Conveyor . نقاله ای برای ترابری افقی یا با شیب کم ، که معمولاً از نوارهای فلزی یا چوبی پیوسته به هم درست شده است ؛ آن را "نقاله نواری" نیز می نامند . این نقاله در ماشینهای بزرگ برای نگاهبانی میز ماشین از براده به کار می رود . ماشینهای فرزی که تیرهای طولی بال هواپیما را می تراشد بیشتر از این گونه نقاله نواری دارد .</p>	<p>پاد تشدید . Anti-resonance . هنگامی است که دگرگونی کوچکی در بسامد برانگیزش دستگاه مکانیکی از بیرون ، دامنه پاسخ معینی از آن دستگاه را افزایش می دهد (ب . Resonance ) نیز ن . ک . Frequency .</p>
 <p>ش ۰۴ . پیچ ارشمیدسی برای بالا کشیدن آب .</p>	<p>تسمه ناپیستا . Anti-static Belting . تسمه ای که ضریب مالش بین آن و چرخ تسمه بسیار بالاست . توانایی انتقال حرکت روبه چرخشی که تسمه بر آن می نشیند با اندازه بی زیاد است که گُرک و پُرز [ی که بر روبه تماس می نشیند] تسمه را از جنبش بازمی دارد .</p>
	<p>پروانه دم [هلیکوپتر] . Anti-torque Rotor=Tail rotor .</p>
	<p>پادارتعاش . Anti-vibration . Vibration و Mquinting .</p>
<p>Arbor . آبر-میله . (الف) محور ، محور بنیادی یا میله چرخنده ای که بخشی از دستگاه یا ماشین یا ماشین افزار است . (ن . ک . ش . ۱۶۷) . (ب) محور بنیادی چرخ ، مانند آنچه در ساعت مچی یا دیواری یافت می شود . ن . ک . Barrel Arbor ، Fusee Arbor .</p>	<p>سندان . Anvil (Anvil Block) . (الف) تکه سنگین چدنی یا نرم آهنی ، گاه باروکش فولادی ، که قطعه کار هنگام آهنگری روی آن گذاشته می شود . (ب) فکهای ریزسنج نیز anvils نامیده می شود . (ن . ک . ش . ۱۱۲) .</p>
	<p>نامتناوب . Aperiodic . بی بسامد طبیعی ، دستگاهی که در هیچ بسامدی به تشدید در نمی آید .</p>
<p>Arbor Chuck . فک ماشین تراش که رویه بیرونی قطعه کار استوانه ای را در خود گرفته و می چرخاند . برای این کار ، نخست قطعه را سوراخ کرده ، سپس سوراخ را روی یک ابر میله ، محور یا محور بنیادی جا می زنیم یا از هم مرکزی رویه های</p>	<p>Apex - (الف) برخوردگاه آسه های یک جفت چرخنده مخروطی با آسه آنی حرکت هر یک از این چرخنده ها نسبت به دیگری ، که همه آنها در صفحه آسه ای هستند ، آسه آنی حرکت نسبی چرخنده ها را بن پارگام می نامند . (ش . ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳۱) . (ب) گوشه بی از سه گوش بنیادی در هندسه رزو پیچ ، که روبرو به پایه آنست . (ش . ۱۵۷) .</p>

<p>ب. Worm (Screw) Conveyor .</p>	<p>برونی و درونی استوانه دل آسوده شویم . نیز ن. ک. Mandrel</p>
<p>مارپیچ ارشمیدسی . Archimedean Spiral .  <u>(الف)</u> مکان هندسی نقطه بی که با سرعت یکنواخت در راستای شعاع حامل حرکت می کند در حین آنکه شعاع حامل نیز گردد قطب ، با سرعت زاویه ای <u>پایا</u> حرکت می نماید .  در مختصات قطبی <math>r=a\theta</math> . ن. ک. Pinwheel Gear .  <u>(ب)</u> <u>فزاره</u> بی که با چرخاندن یک مارپیچ ، آب را بالا می برد . (ش ۴) .</p>	<p>منگنه . Arbor Press .  پرس پیچی یا روغنی که با آن <u>میله</u> را به درون قطعه کار رانده یا از آن بیرون می آورند .</p>
<p>Articulated Blade .  پره <u>هواپیما</u> <u>پروانه</u> <u>دار</u> که روی یک یا چند لولا سوار شده است و هنگام پرواز ، امکان بال زدن و حرکت طولی هواپیما را فراهم می آورد .</p>	<p>Arboring .  تراشکاری رویه تخت یا تاقان که جای نشستن واشر و مهره پیچهای اتصال است . این کار با تیغه لبه پهنی که در بهنای یک <u>میله</u> کار گذاشته شده است انجام می شود .</p>
<p>Articulated Connecting-rods .  میله های کمکی هموستار <u>موتور پرتاوی</u> ، که به جای آنکه بر انگشتی لنکی اصلی سوار باشند ، بر انگشتیهای <u>میله هموستار</u> اصلی سوارند .</p>	<p>کمان نزدیکی . Arc of Approach .  کمانی از <u>دایره گام</u> چرخنده ، که نقطه تماس دو دندان در تماس ، هنگامی که به <u>نقطه گام</u> نزدیک می شوند ، روی آنست .</p>
<p>Artificial Horizon (Gyro Horizon) .  افق نما دستگاهی دارای یک <u>چرخشما</u> ، که افق طبیعی را <u>مانند سازی</u> می کند .</p>	<p>کمان تماس . Arc of Contact .  کمانی از <u>دایره گام</u> چرخنده که دو دندان روی آن در تماسند .</p>
<p>Assembly .  سوار کردن .  به هم پیوستن تکه های ماشین یا <u>سازوکار</u> ؛ همچنین فرآورده پایانی که از این به هم پیوستن به دست می آید .</p>	<p>کمان پس نشینی . Arc of Recess .  کمانی از <u>دایره گام</u> چرخنده که نقطه تماس دو دندان ، هنگامی که از <u>نقطه گام</u> دور می شوند ، روی آنست .</p>
<p>Atmospheric Engine .  <u>(الف)</u> موتور پیستونی که <u>پرخورنده</u> نمی شود .  <u>(ب)</u> موتور بخار کهنی که در آن ، اندک <u>خلاء</u> زائیده از چگالش بخار ، مایه آن می شود که فشار جو پیستون را به پایین براند ؛ آن را <u>موتور یکسوکار</u> نیز می نامند .</p>	<p>سنتبرای وتری . Arc Thickness .  ناهمسانی <u>فزودینه</u> و <u>وتری</u> و <u>فزودینه</u> در راستای <u>میان تار</u> دندان . (ن. ک. ش ۹۳ ، ۱۷۳ ب) .</p>
<p>Atmospheric Line .  خط جوی .  خط مبنایی است که هنگام اعمال فشار جو بر پیستون</p>	<p>منه ارشمیدسی (منه پاریسی) . Archimedean Drill (Persian Drill) .  منه بی بارزوه چند گانه تند کار ، که مهره بی که روی آن حرکت پس و پیش رونده <u>آسه</u> ای دارد به <u>سرمته</u> حرکت چرخشی متناوب می دهد .</p>
<p>خط جوی . Atmospheric Line .  خط مبنایی است که هنگام اعمال فشار جو بر پیستون</p>	<p>پیچ ارشمیدسی . Archimedean Screw .  پیچ شیدار توخالی ، با لوله بی که برگرد آسه بی به شکل مارپیچ درآمده ، و سرزیرینش در آبست . هنگامی که چرخانده می شود آب به سطح بالاتر جابجا می شود . (ش ۴)</p>

<p>خودران - خود خلبان . Automatic Pilot ن.ک. Autopilot.</p>	<p>نمایانه یا دیافراگم نمایانه، روی نمودارنمایانه رسم می شود. این خط، پهنه بخار را در بالا از پهنه خلاء در پایین جدا می کند.</p>
<p>سوخت رسان خودکار . Automatic Stokar= Mechanical Stokar.</p>	<p>تلمبه مکش . Atmospheric Pump=Suction Pump</p>
<p>خودکاری . Automation . فتی برای کنترل همه یا بخشی از فرایند ساخت، از جمله بازرسی و برگرداندن [فرآورده های نپذیرفتنی] . معمولاً همه یا بخشی از این فن الکترونیکی است .</p>	<p>ماشین آتوود . Atwood Machine . فزاره بی دارای یک چرخ تسمه، که نخ کشناپذیری که دو وزنه را به هم می پیوندد، از روی آن می گذرد. این فزاره را می توان برای تعیین شتاب گرانی به کار برد .</p>
<p>خودرو . Automobile=Motor-vehicle .</p>	<p>مته دستی . Auger . ابزاری برای سوراخ کاری، دارای تنه فولادی دراز، با لبه برنده در یک سر، و دستگیره چلیپایی در سر دیگر. از این گونه است "مته غلافی"، که یک شیار دارد و "مته پیچی"، که تیغه پیچ خورده بی داشته و براده از راه شیار مارپیچی آن بیرون می ریزد .</p>
<p>خودران - خود خلبان . Autopilot . سازوکاری با کنترل کننده هایش، که هواپیما یا موشک را، در راستای راه معینی، خودکارانه کنترل می کند. در معمولاً "خلبان به کار می اندازد، ولی گاهی با کنترل رادیویی به کار انداخته می شود، مانند موشک در حال پرواز، در هواپیما آن را، هنگام گفتگو "جرج George" می نامند .</p>	<p>تنه مه . Auger Stem . میله سنگینی که سرمته، برای حفاری، به آن بسته می شود .</p>
<p>پروانه دم [هلیکوپتر] . Auxiliary Rotor . پروانه کوچکی که بر دم هلیکوپتر سوار است تا راستا را کنترل کرده، در برابر گشتاور پروانه بزرگ واکنش نشان دهد؛ معمولاً آن را پروانه دم هلیکوپتر می نامند .</p>	<p>ن.ک. Optical Tooling . Auto-Collimator .</p>
<p>کمپرسور آسه ای . Axial (Axial-flow) Compressor</p>	<p>Autogiro (Autogyro) . نام بازرگانی هواپیمایی که پروانه اصلی بالای آن، از جریان هوا انرژی می گیرد و با توان رانده نمی شود. نوعی gyroplane .</p>
<p>کمپرسوری با رجهای یک در میان از تیغه های ساکن و چرخان، که بطور شعاعی سوار شده اند، و جریان در راستای آسه از کمپرسور می گذرد. (ن.ک. ش. ۱۹۲، ۱۹۴) از این کمپرسور دو گونه بنیادی وجود دارد (الف) با بدنه مخروطی، و (ب) با طبلک چرخنده مخروطی. برخی موتورهای جت کمپرسور دو گامه ای دارند، که تراکم را به دو گامه فشار پایین و فشار بالا بخش می کنند (ن.ک. Spool) . در سرعت های زیاد پرواز، چون تراکم بیرونی بیشتر است، نسبت تراکم کمتر می باشد .</p>	<p>انبساط خودکار . Automatic Expansion . کنترل انبساط بخار در موتور بخار، به وسیله فرمانه ها و جنبش رسان آنها . نیز ن.ک. Governor ، Governor Valve Gear .</p>
<p>برای رانش هوا در تونلهای تند باد، هنگامی که نسبت فشار برای بادزن مورد نیاز خیلی زیاد باشد، به جای</p>	<p>ماشین تراش خودکار . Automatic Lathe . ماشین تراشی که بی دخالت انسان کار می کند. ش ۱۰۳ بخشی از سازوکار ماشین تراش خودکار را با پنج فیک، پنج کشوی عرضی، و سه کشوی آسه ای جداگانه که کشوی میانی نیز جزء آنهاست، نشان می دهد .</p>



<p>میل راه . Axle Guard = <u>Horn Plate</u>.</p>
<p>میل پوش . Axle Housing . <u>ساختاری</u> که میل واگن راه آهن را در برمی گیرد .</p>
<p>ماشین میل تراشی . Axle Lathe . ماشین تراشی که دو دستگاه <u>مرغک</u> در دایره <u>کرانه</u> میز خود دارد . میل در میان این دو دستگاه تراز می شود و <u>سر</u> میانسی ماشین ، که <u>جنبش</u> <u>رسان</u> <u>دو</u> <u>سرعت</u> دارد ، آن را می چرخاند .</p>
<p>کنترل راستا . Azimuth Control = <u>Cyclic pitch control</u>.</p>

## واژه نامه متن، فارسی - انگلیسی

Grinding	سنگ زدن	Axis	آسه
Fundamental triangle	سه گوش بنیادی	Arbor	آبر میله
Roller	غللتک	Tooth trace	اثر دنده
Governor	فرمانه	Reference cylinder	استوانه مبنا
Device	فزاره	Crank pin	انگشتی لنگی
Addendum	فزودینه	Swivel pin	انگشتی مفصل گردان
Chordal addendum	فزودینه وتری	Excitation	برانگیزش
Chuck	فک [ماشین تراش، مانندسه نظام]	Frequency	بسامد
White metal	فلز سفید	Natural fequency	بسامد طبیعی
Slide	کشو	Pitch element	بُن پارگام
Axial Compressor	کمپرسور آسه ای	Supercharged	پُرخورانده
Two-spool Compressor	کمپرسور دوگامه ای	Rotor	پروانه
Pitch	گام	Tail rotor	پروانه دُم [هلیکوپتر]
Gravity	گرانی	Area	پهنه
Lubricant	لیزانه	Lead serew	پیچ مادر [در ماشین تراش]
Simulate	مانند سازی کردن	Resonance	تشدید
Pod-auger	مته پیچی	Power	توان
Shell-auger	مته غلافی	Turbine	توربین
Shaft	محور	Gear	جنبش رسان
Spindle	محور بنیادی	Double change-speed gear	جنبش رسان دو سرعت
Rotating spindle	محور بنیادی چرخنده	Worm gear-wheel	چرخنده حلزونی
Rotating shaft	محور چرخنده	Bevel gear	چرخنده مخروطی
Mandrel	مرغک	Gyroscope	چرخشما
Radial engine	موتور پرتاوی	Pitch circle	دایره گام
Single-acting engine	موتور یکسوکار	Poppet	دستگاه مرغک [در ماشین تراش]
Center line	میان تار	Shutter	دهانه بند [دوربین عکاسی]
Bed	میز [در ماشینها]	Screw thread	رزوه پیچ
Axle	میل	Saddle	رنده بر [در ماشین تراش]
Dead axle	میل ایستا	Micrometer	ریزسنج
Two-speed axle	میل دوسرعه	Phase angle	زاویه اختلاف فاز
Live axle	میل گردان	Structure	ساختار
Connecting-rod	میله هموستار	Mechanism	سازوکار
Wrought iron	نرم آهن	Epicyclic mechanism	سازوکار خورشیدی
Pressure ratio	نسبت فشار	Headstock	سر [در ماشین تراش]

---

Slat conveyor	نقاله توارى
Pitch point	نقطهء گام
Indicator diagram	نمودار نمايانه
Rotorcraft	هواپيماى پروانه دار